

... نقاهتگاه!

تقلب در ۸۸ طراحی پروژه «مهدی هاشمی» و تیماش بود که با موفقیت توانست با این پروژه اصلاح طلبان را نیز در این زمین به بازی و نقش آفرینی گرفته و واریته ۸۸ را با توسل به نفرت هیستریک طبقه متوسط از احمدی نژاد، کارپردازی کند.

پروژه تقلب ۷ ماه قبل از انتخابات و با تمهید معنادار «کمیته صیانت از آرا» کلید خورد. این پروژه از «سورپرایز دوم خرداد ۷۶» اقتباس شده بود که در آن تاریخ «پدرخوانده ایران» را شیرین کام کرد و احباب ایشان ملاحظه کردند چگونه با دامن زدن به شعار تقلب و توسل به بداهه‌های نظیر «بنویسید خاتمی، بخوانید ناطق» می‌توان جامعه را قطبی و مدیریت جهت برداشت آرا کرد.

از سوی دیگر اخیرا «عبدالرضا هاشمزاًی» عضو فرآکسیون امید مجلس گفت:

آیا وقت آن نرسیده از خود بپرسیم ۱۰ سال حصر موسوی، کروبی و رهنورد چه منافعی برای نظام داشته؟
نماينده مذبور ظاهرا در فهم مسئله چهار کژفهمی شده.

حصر بابت اخذ منفعتی صورت نگرفت تا اینک کاسبکارانه در جایگاه محاسبه سود و زیان و هزینه و فایده آن بتوان نشست.

جنس حصر در مقام مقايسه، قرينه آسا يشگاه سالمدان است که فرزندان ناگزير و ناگریز و از سر استیصال مجبور می‌شوند عزیزان خود را که بنا به دلائلی «هزینه‌زا» و «مساله‌ساز» شده‌اند غمگانه در نقاهتگاه قرار دهند.

قدر مسلم محصورین اذناب شیطان نبودند و در این تردید نیست ایشان فرزندان انقلاب و یاران امام و رهبری بودند که کژفهمانه در ۸۸ اسیر بازی «پدرخوانده» و بازی خورده «حوالیونش» شدند.

حصر تلخ‌ترین گزینه نظام و در عین حال خاصه‌خرجي قهری نظام برای مهار یارانی بود که غافلانه و نامدبرانه و جوگیرانه نتوانستند بفهمند در زمینی بازی می‌کنند که بازیگرداش «کس دیگری» است که دنبال «چیز دیگری» است!

#داریوش_سجادی